

حرف درشت

قصه آموزنده کندن چاه

پوریا عالمی؛ یکی بود، یکی نبود. روزی از روزها یک مهندس‌سی یک پروژه گرفت از دولت به اسم «پروژه آب‌سازی تقطیعی بسیار مقاوم تحت فشار اقتصادی». شاید بیرسید یعنی چی و به چه دردی می‌خورد؟ ما هم باید جواب بدهیم که هیچ معنی‌ای نمی‌دهد، اما عنوان «پروژه آب‌سازی تقطیعی بسیار مقاوم تحت فشار اقتصادی» واقعا بودجه‌خور است و اگر شما بخواهید بودجه بگیرید متوجه می‌شوید پرمعنی‌ترین مفهوم آفرینش همین ترکیب عرفانی «پروژه آب‌سازی تقطیعی بسیار مقاوم تحت فشار اقتصادی» است و هیچ چیزِی از آن عمیق‌تر نیست. خلاصه مهندس قصه ما وقتی این پروژه را گرفت رفت یک کارگر استخدام کرد و بردش وسط دشت لوت و گفت اینجا را تا ته بکن. کارگره هم پیش‌قاردار را گرفت و کلنگ را برد بالا و حالا نکن کنی بکن. در این میان مهندس‌ه رفت با یک شرکت تبلیغاتی قرارداد بست و شرکت تبلیغاتی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و هشتگ پروژه یک موج عجیبی توی اینترنت راه انداخت که همه بازیگران سوپرستار توی صفحه‌شان فیلم‌هایی گذاشتند که داشتند آب‌سازی تقطیعی بسیار مقاوم می‌کردند. خلاصه وضعی بود. توی این حیض بیضی که مهندس‌ه داشت توی تلویزیون جایزه سزاوارترین تقطیع‌کننده آب پرفشار را می‌گرفت و برنامه مامعسل هم آفیشش کرده بود که ماه رمضان سال بعد بیاید گریه ملت را دربیارود، یکهو موبایل مهندس‌ه زنگ خورد.کارگره بود. گفت: «الو آقا موندس... الو... این چاه که گفتی من بکنم بود... خب؟ الان من یک کلنگ دیگه بزنم، از اون‌ور کهره زمین میام بیرون... ولی هنوز به آب نرسیدم‌ها... دیگه نمی‌کنم آقا مهندس. این چاه آب نداره‌ها». آقا مهندس وسط برنامه زنده گفت: مرد حسایی بکن... واسه من آب نداره... واسه تو که نون داره... کارگره گفت: باشه و شروع کرد به کندن. یک‌ربع بعد وسط برنامه زنده مهندس‌ه داشت به قرارداد میلیاردی با تلویزیون درباره تقطیع آب پرفشار می‌بست‌که دوباره موبایل مهندس زنگ خورد و گوشی را برداشت و گفت: چی شده باز؟ کارگره گفت: آقا موندس... مش‌ولوق بده... به آب رسیدیم. مهندس‌ه دودستی زد توی کله‌اش.کارگره گفت: الو؟ الو؟ مهندس‌ه گفت: آخه اولین‌بار به پروژه به نتیجه رسیده، نمی‌دونیم چی‌کار کنیم. ما عادت داریم بودجه‌رو بگیریم خرج کنیم و به نتیجه خاصی هم نرسیم... میگما... اگه میشه چهارتا بیل خاک بریز جلو آب رو بگیر که به‌موقع سیستم به‌هم نریزه. نتیجه‌گیری: مسئله‌خرج‌کردن بودجه است وگرنه تخصیص بودجه که شوخی است.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۱۰ مرداد ۱۳۹۶ • ۸ ذیقعدہ ۱۴۳۸ • ۱ آگوست ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۲۵ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۸ • اذان صبح‌فردا ۴:۳۶ • طلوع آفتاب ۶:۱۳

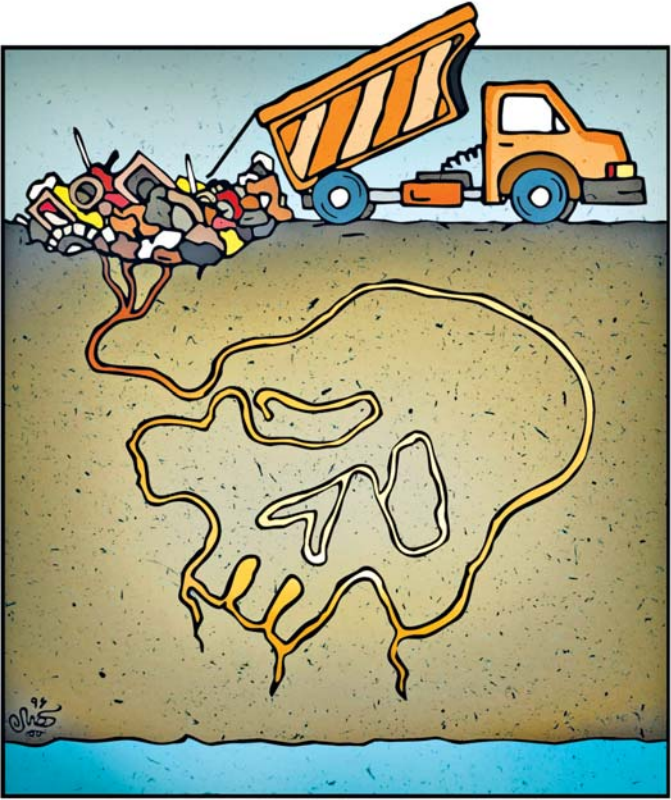
روزنارضا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سهیل محمدی

شرایط دفن ۷۵ درصد از زباله ها در ایران بسیار نگران کننده است



طرح فروش ویژه تابستانه

انواع خودرو داخلی و خارجی



تحويل فوری
قیمت قطعی
۷۱٪ تخفیف خرید نقدی
شرایط ویژه خرید اقساطی



پرسین پارس

مجموعه نمایندگی های مجاز فروش خودرو

2017

کد صنفی: ۰۳۲۵۸۷۲۲۵۶ - سال تاسیس ۱۳۸۱

برای مشاوره و کسب اطلاعات بیشتر با کارشناسان فروش تماس بگیرید

شعبه سعادت آباد: سعادت آباد، نرسیده میدان کاج، بین خیابان هجدهم و شانزدهم، پلاک ۵۵ - ۲۲۳۵۰۰۱۱

شعبه اسفندجدار: خیابان ولیعصر، تقاطع نیاوران و اسفندجدار، پلاک ۲۵۹ (با پارکینگ اختصاصی) - ۸۸۲۰۲۸۵۰

شعبه دولت: خیابان شریعتی، خیابان دولت، بعد از چهارراه قنات، پلاک ۳۵۳ - ۲۲۵۶۴۴۷۶

ساعت کار در تمام شعب ۸ صبح الی ۲۱ و روزهای تعطیل ۱۶ الی ۱۹

۴۴۹۵۵۷۲۱

۴۴۹۶۴۸۷۵

۲۲۳۶۰۵۳۰

شعبه کاشانی: بلوار کاشانی، روبروی پلین بزرگ، پلاک ۱۶ - ۲۲۳۵۰۰۱۱

دفتر خدمات رفاهی پس از فروش: بلوار کاشانی، ساختمان گلزار، طبقه ۱ - ۴۴۹۶۴۸۷۵

ساختمان امور مشتریان: سعادت آباد، میدان طهرانی، بلوار طهرانی، خیابان بهشتی، خیابان ۱۳ خرداد، پلاک ۲۷ - ۲۲۳۶۰۵۳۰

سلام به فردا

لذت حمایت، لذت دموکراسی

درباره درخواست حضور تماشاگران زن در ورزشگاه

برخی سوءاستفاده صورت نگیرد. به عبارت دیگر در مسیر همراهی با آقای رئیس‌جمهور، چنین ایده‌هایی ناب و بکر هستند، اما امیدوارم وعده اجرایی‌شدن آنها به زمانی موکول شود که سوءطن‌ها و نگرانی‌ها برطرف شده باشد تا امکان هرگونه سوءاستفاده‌ای از طرف مغرضان گرفته شود.

چند روز پیش در خدمت فراکسیون زنان مجلس بودم. افتخار است حضور در کنار نمایندگانی که خود انتخابشان کرده‌ام. چنین امری را اگر به دولت تسری بدهیم، حضور و همراهی چهارساله در کنار دولتی که انتخابش کرده‌ایم، نیز یک افتخار به حساب می‌آید، بنابراین اگر احساس می‌کنیم که خدای‌نکرده ممکن است از حرکت ما، تعبیر غلطی شود، مورد سوءاستفاده قرار بگیرد یا روحانی را در یک فشار مضاعف قرار دهد، باید آن تصمیم و آن حرکت را به زمان دیگری موکول کنیم، چراکه هدف غایی از این حضور داریم و می‌خواهیم شاهد مشارکت حداقل ۳۰ درصدی زنان در کابینه دوازدهم باشیم.

کردیم، اکنون نیز در مسیر حمایت از او هستیم و به تجربه دریافته‌ایم که او نیز، حسن نظر دارد و منافع ما و کشور را در اولویت اقدامات خود قرار داده است. بنابراین به نظر می‌رسد، هر اقدامی که به صورتی مانعی بر سر راه ایشان ایجاد کند یا از اشتیاق او بکااهد یا اصولگرایان را به همه‌ای تازه فربخواند، اقدام پسندیده‌ای نباشد.

اینکه خانم‌های ورزشکار کشور، از آقای روحانی برای حضور در ورزشگاه در روز جشن قهرمانی فوتبال، دعوت به عمل آورده‌اند در نوع خود، فی‌نفسه حرکت زیبایی است. زیباست که به‌عنوان یک مطالبه مهم از رئیس‌جمهور منتخب خود که شعارهایش مدافع حقوق زنان است بخواییم با حضور خود در ورزشگاه، مقدمات ورود زنان به ورزشگاه را فراهم کند. این همراهی، لذت حمایت از دولت منتخب را با لذت ناشی از دموکراسی دوچندان می‌کند، اما در کنار این دعوت، باید مراقب بود که شیطنت‌هایی با اسم این دعوت به راه نیفتد و از موقعیت به‌وجودآمده از سوی



فریده غیرت

شرایط امروز آقای روحانی پس از انتخاب ایشان در اردیبهشت ۱۳۹۶، شرایطی است که ایشان به‌خاطر انتخاب اعضای کابینه خود تحت فشارهای مختلفی قرار دارند. اینکه ایشان چه انتخابی می‌کنند، چه گزینه‌هایی مطرح است و چه توصیه‌ها و منع‌هایی برای کابینه دوازدهم به ایشان شده، همه‌وهمه حکایت از آن دارد که در این شرایط خاص و ویژه، همراهی او در اولویت قرار دارد و نباید بعضا با برخی اقدامات که می‌تواند شایسته و حتی زیبا به نظر برسد، در این روند اخلالی ایجاد کنیم یا بهانه برای لطمه به آن به وجود آوریم.

ما در اردیبهشت امسال، آقای روحانی را انتخاب

تجربه دیگران

فقیران، برنده کنکور غریبان

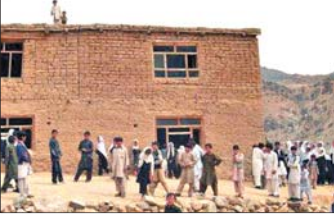
اختر ماکونی، هرات: در این چند روز که نتایج کنکور در افغانستان اعلام شد، با نگاهی به شبکه‌های اجتماعی در افغانستان می‌توان دید که افراد زیادی با وجود از دسترس خارج‌شدن سایت وزارت تحصیلات عالی به دلیل هجوم زیاد، به دنبال نمره و رشته خود هستند. برخی که توانسته‌اند سایت را باز کنند، پست می‌گذارند که سایت را باز کرده‌اند و افرادی که تا به‌حال موفق به بازکردن سایت نشده‌اند، شماره‌شان در کنکور را کامنت کنند تا نتیجه را به دست بیاورند.

امسال اما نفر اول و دوم کنکور افغانستان افرادی هستند که به قول برخی از کاربران شبکه‌های اجتماعی، «فرزند فقیر موفق می‌شود، نه بچه پادشاه» اشاره به این افراد و جایگاهی است که از آن سر برآورده‌اند. با بررسی شیوه زندگی‌شان، به این موضوع می‌توان رسید که با وجود اینکه جنگ، فقر را به وجود می‌آورد، ولی از دل همین فقر، افرادی وارد جامعه می‌شوند که جامعه را میبوت خود می‌کنند.

نفر اول کنکور سال ۹۶ در افغانستان، فردی است که دیگر مشخصات و گذشته‌اش، بین کاربران شبکه‌های اجتماعی هم دست‌به‌دست می‌شود. پدر این دانش‌آموز به‌عنوان رفتگر در شهرداری کابل کار می‌کند و ماهانه شش هزار افغانی، کمتر از ۴۰۰ هزار تومان، حقوق دریافت می‌کند و روزی شش ساعت را هم برای امرار معاش خانواده قالی می‌بافد.

بهشته مومند در میان دانشجویان دختر مقام اول کانکور (کنکور) را به دست بیاورد. بهشته از جلال‌آباد؛ جایی که انواع افراط‌گرایی و زن‌ستیزی در آن جریان دارد سبب شگفتی شد. بی‌تردید حضور افرادی نظیر بهشته در برخی بخش‌ها نظیر نگرهار که وضعیت مردسالاری بیشتر است می‌تواند الگویی باشد.

به دلیل اینکه این دانش‌آموز از قوم هزاره است، بسیاری این موضوع را باعث دوستی هرچه‌بیشتر اقوام در افغانستان دانسته‌اند و با نام‌بردن قوم خود به وی تبریک گفتند: «به‌عنوان یک پشتون لوگري افتخار می‌کنم که چنین جوانان بااستعداد و افتخارآفرین در کشور عزیزم وجود دارند شما سرمایه ملی کشور هستید به امید موفقیت‌های مزید شما جوان بااستعداد».



عکس مدرسه‌ای که نفر دوم کنکور در آن درس خوانده است هم زیاد دست‌به‌دست می‌شود؛ مدرسه‌ای ساخته‌شده از کاه و گل در دل یکی از فقیرترین مناطق افغانستان. شاید کسی فکرش را هم نمی‌کرد که از چنین جایی نفر دوم کنکور سراسری افغانستان سر برآورد، امتحانی که در گذشته به دلیل شفاف‌نبودن، افرادی «پی‌سواد» وارد دانشگاه‌ها می‌شدند که بیشترشان پس از گذشت مدتی درس را رها می‌کردند و حق چنین دانش‌آموزانی را که امسال اول و دوم شده‌اند می‌خورند.

اما این فقط یک طرف مسئله است، طرف دیگر هزاران نفری هستند که نتوانسته‌اند وارد دانشگاه شوند و اکنون چند راه بیشتر جلوی خود نمی‌بینند؛ اول اینکه برای امتحان‌کردن شانس دوم و آخر خود آمادگی بگیرند و دوباره امتحان دهند، دوم اینکه همین‌جا برای خود کاری دست‌وپا کنند یا جذب ارتش این کشور شوند. راه دیگر هم از زاهدان و تهران شروع می‌شود و به استانبول و دل اروپا ختم می‌شود، البته اگر در آب‌های مدیترانه غرق نشوند یا اینکه قاچاقی به ایران بیایند و در جایی مشغول کارگری شوند.

زنده‌یاد محمود جهان همیشه برایم

خاطره‌هایی خوش داشت، صدا و موسیقی طرب‌انگیز او انرژی، طراوت و شادابی به آدمی می‌بخشید و البته یادآور دوست قدیمی و درگذشته‌ام، زنده‌یاد فرید سلمانیان، بود و هست که به گمانم حقی بزرگ بر گردن بسیاری از موزیسین‌های خارج از مرکز (تهران) داشته و دارد. به‌همین‌دلیل درگذشت محمود جهان و هم‌زمانی آن با هفتمین سالمرگ زنده‌یاد فرید سلمانیان (ششم مرداد ۱۳۸۹) بهانه‌ای شده است تا درباره هر دو بنویسم، چراکه شادروان جهان از جمله هنرمندانی بود که آقای سلمانیان سهمی جدی در معرفی و کشاندن او به حیطه‌های هنری در سطوح کشوری داشت و هم او بود که تهیه‌کننده‌ای فعال به نام آقای هاشمی‌دهکردی را واداشت تا روی این صدا سرمایه‌گذاری کند و چند آلبوم با همکاری او انتشار دهد، آلبوم‌هایی که در زمانه خود بسیار پرمخاطب بودند و پرفروش.

مرحوم سلمانیان از زمانی که به مرکز موسیقی آمد، توانست با همدلی‌هایی که آقای مرادخانی با ایده‌ها و افکار او داشت و توجیه درست ایده‌هایش، فضایی برکت‌خیز را برای موسیقی تمهید

کند. خوانندگان توجه کنند که حرکت‌های مرکز سرود و آهنگ‌های انقلابی وقت، مانند امروز نبود، مقاومت‌ها بسیار و تقریبا هر حرکتی در جهت ترویج موسیقی (حتی موسیقی سنتی) با اعتراضات و انتقادات فراوانی روبه‌رو می‌شد، چه برسد به موسیقی‌هایی در گونه‌های دیگر و به‌خصوص موسیقی‌های سبک، لایت و عامیانه ایران که کسی را جرئت و جسارت مجوزدادن به آنها و انتشار عمومی‌شان نبود. در چنین فضایی باید مدیریت و فکری بر موسیقی حاکم می‌بود که بتواند در کنار تحمل این فشارها، راه‌های برون‌رفت از این سیستم را با کمترین هزینه و اصطکاکی بجوید و به کار ببندد.

مرحوم سلمانیان به‌نوعی موتور فکری این‌گونه کارها بود، امروزه می‌توان دریافت که خوش‌نامی آقای مرادخانی در آن دوران به‌واسطه محروم سلمانیان به‌نوعی موتور فکری این‌گونه کارها بود، امروزه می‌توان دریافت که خوش‌نامی آقای مرادخانی در آن دوران به‌واسطه

پیشخوان

می‌شود. محور نخستین شماره گیل‌گمش انگلیسی توسعه پایدار است و در این راستا، طرح جامع توسعه پایدار جامعه‌محور جزیره قشم با تمرکز بر نقش زنان در توسعه پایدار، به تجربه موفق آموزش زنان در حفظ جامعه محلی قشم می‌پردازد و مناطق شش‌گانه ژئوپارک جزیره قشم را معرفی می‌کند. در بخش هنری این شماره، پیام لزوم حفظ و احترام به محیط زیست در کارهای محیطی دکتر احمد نادعلیان بازتاب داده شده است. همچنین یکی از مقاله‌های گیل‌گمش در این شماره به معرفی لورنزو ویلورنسی، عطر ساز شهیر ایتالیایی، می‌پردازد که با الهام از فضای ادبی الموت و نیشابور، دو عطر به نام این دو مکان ساخته است.



نخستین فصلنامه گیل‌گمش به زبان انگلیسی و با رویکرد «توسعه پایدار» منتشر شد. گروه فصلنامه‌های گیل‌گمش علاوه بر رسالت آموزشی و اطلاع‌رسانی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری، اهداف محیط‌زیستی را نیز دنبال می‌کند. کاغذهای موردنظر برای چاپ این مجله از پودر سنگ تهیه شده‌اند و در قیال هر یک تُن کاغذی که برای چاپ آن به کار می‌رود، از قطع ۱۶ درخت جلوگیری می‌شود. شماره تابستان گیل‌گمش به روند ثبت پروژه جهانی کویر لوت در فلات مرکزی و منطقه کندم بریان که از سوی ناسا به‌عنوان گرم‌ترین نقطه زمین شناخته شده، می‌پردازد. در بخش دیگر، پرونده جنگل‌های هیرکانی که از نظر تنوع زیستی و جانوری بسیار پراهمیت شناخته شده‌اند، بررسی

یاد آر

یادی از محمود جهان و فرید سلمانیان

بنازم مطربان را

پشتوانه‌های فکری فردی چون سلمانیان بود و بس.

آقای سلمانیان اهل ادعا نبود، همچنان‌که یک برادرش شهید شده بود و یکی از برادرانش مفقود که دو، سه سال قبل از فوتشان خبر شهادت این یکی را هم آوردند، اما از این امکانات هیچ بهره‌برداری تبلیغاتی‌ای نکرد و این را دستمایه و پل رسیدن به برخی مناصب و موقعیت‌ها نساخت، بلکه با کار و رفتار خویش حرمت آنها را نگه داشت و البته با زبان منطقی و استدلالی بسیاری از مقاومت‌ها را از جلو برمی‌داشت.

ارتباط آقای سلمانیان با مرحوم جهان را باید از زاویه‌ای عمیق‌تر بررسی کرد. مرحوم سلمانیان به فراست دریافته بود که جامعه نیازمند موسیقی شادبانه و سرور است و باید این فضا را به‌نوعی در موسیقی ایران ایجاد کرد و گسترش داد. محمود جهان و موسیقی بندری و فعالان موسیقی جنوب، از جمله هنرمندانی بودند که می‌توانستند به‌خوبی فضا موسیقی را از سپهر تک‌ساختی موسیقی سنتی و غم‌زده، به سمت فضا و گفتمان گونه‌های دیگر موسیقی، از جمله موسیقی پرتحرک جنوب ایران سوق دهند. موسیقی جنوب با کنار گذاشتن نعمت‌الله آقاسی و برخی دیگر از هنرمندانی که

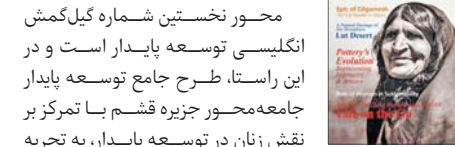


به تقلید از رنتم و فضای موسیقی جنوب ایران آثاری را منتشر می‌کردند، عملا به حاشیه رفته بود و حضور محمود جهان این فرصت را به بخش موسیقی عامه‌پسند جنوب ایران بخشید که بتواند کمر راست کرده و قد برافرازد. سال‌های اولیه دهه ۷۰ بود که محمود جهان را ابتدا در جشنواره‌های فجر دیدم، با اجراهای سرزنده و شاداب و با گروهی که هنگام اجرا طرب و طراوت را به صحنه می‌آوردند. او صدایی پخته و رها داشت و خواننده‌ای شش‌دانگ بود و علاوه‌برآن زبان بدن را در خوانندگی به‌خوبی می‌دانست و به‌نوعی می‌توان مدعی شد که یک خواننده تمام‌عیار در گونه موسیقایی خود بود.

شاید هرگاه که یاد این خواننده خوش‌صدا و سرزنده می‌افتد، این شعر معروف و عامیانه در ذهنم جوانه می‌زد که:

گدایان بهر روزی طفل خود را کور می‌خواهند
طبییان جملگی مخلوق را رنجور می‌خواهند
گمانم مرده‌شویان راضی‌اند از مردن مردم
بنازم مطربان، کاین خلق را مسرور می‌خواهند

محور نخستین شماره گیل‌گمش انگلیسی توسعه پایدار است و در این راستا، طرح جامع توسعه پایدار جامعه‌محور جزیره قشم با تمرکز بر نقش زنان در توسعه پایدار، به تجربه موفق آموزش زنان در حفظ جامعه محلی قشم می‌پردازد و مناطق شش‌گانه ژئوپارک جزیره قشم را معرفی می‌کند.



نخستین فصلنامه گیل‌گمش به زبان انگلیسی و با رویکرد «توسعه پایدار» منتشر شد. گروه فصلنامه‌های گیل‌گمش علاوه بر رسالت آموزشی و اطلاع‌رسانی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری، اهداف محیط‌زیستی را نیز دنبال می‌کند. کاغذهای موردنظر برای چاپ این مجله از پودر سنگ تهیه شده‌اند و در قیال هر یک تُن کاغذی که برای چاپ آن به کار می‌رود، از قطع ۱۶ درخت جلوگیری می‌شود. شماره تابستان گیل‌گمش به روند ثبت پروژه جهانی کویر لوت در فلات مرکزی و منطقه کندم بریان که از سوی ناسا به‌عنوان گرم‌ترین نقطه زمین شناخته شده، می‌پردازد. در بخش دیگر، پرونده جنگل‌های هیرکانی که از نظر تنوع زیستی و جانوری بسیار پراهمیت شناخته شده‌اند، بررسی

شماره تابستان گیل‌گمش به روند ثبت پروژه جهانی کویر لوت در فلات مرکزی و منطقه کندم بریان که از سوی ناسا به‌عنوان گرم‌ترین نقطه زمین شناخته شده، می‌پردازد. در بخش دیگر، پرونده جنگل‌های هیرکانی که از نظر تنوع زیستی و جانوری بسیار پراهمیت شناخته شده‌اند، بررسی